



هانا آرنست و آیزابلا برلین آزادی، سیاست و انسانیت

کِی هیروتا
ترجمهٔ سامان صفرزائی

هانا آرنت و آیزابیل برلین آزادی، سیاست و انسانیت



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: هیروتا، کی، ۱۹۸۱-م. Hiruta, Kei, 1981
عنوان و نام پدیدآور: هانا آرنت و آیزایا برلین (آزادی، سیاست و انسانیت)/کی هیروتا/ترجمه سامان صفرزائی
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۱۷-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Hannah Arendt and Isaiah Berlin : freedom, politics and humanity, 2021.
موضوع: علوم سیاسی -- فلسفه/ آرنت، هانا، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵ م./ برلین، آیزایا، ۱۹۰۹-۱۹۹۷ م.
شناسه افزوده: صفرزایی، سامان، ۱۳۶۴-، مترجم
رده‌بندی کنگره: JAV۱
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۳۴۱۵۲



■ هانا آرنت و آیزایا برلین

کی هیروتا
ترجمه سامان صفرزائی
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
چاپ و صحافی: دالاهو
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh





کی هیروتا استادیار انستیتوی مطالعات پیشرفته در دانشگاه آرهوس دانمارک است. او دکترای نظریهٔ سیاسی از دانشگاه آکسفورد دارد و در همین دانشگاه و همچنین انستیتوی مطالعات پیشرفتهٔ پاریس تدریس کرده است. هیروتا در سال ۲۰۱۹ کتاب «آرنت؛ دریاب آزادی، اختیار و انقلاب» را منتشر کرد.

«تقدیم به
پروانه وهابزاده
مادر و آموزگارم»

فهرست

۱۱	فصل اول: مقدمه
۲۷	فصل دوم: سوهان روح واقعی
۱۰۹	فصل سوم: آزادی
۱۸۳	فصل چهارم: غیرانسانی بودن
۲۵۵	فصل پنجم: شر و قضاوت
۳۲۵	فصل ششم: جزیره‌های آزادی
۳۹۷	فصل هفتم: جمع‌بندی
۴۰۹	نمایه

فصل اول

مقدمه

سال‌ها پیش هانا و آیزایا را کنار هم آوردم. جلسه از همان ابتدا فاجعه بود. به چشم برلین، آرنست بسیار رسمی، بدبین به آینده، تئونیک و هگل‌گرا آمد. آرنست شوخ‌طبعی برلین را حمل بر مهمل‌گویی می‌گذاشت و گمان می‌کرد او به‌قدر کافی جدی نیست.

آرتور شلزینگر ^۱جونبور

در سال ۱۹۹۱، نورمن اولیور براون ^۲نامه‌ای به آیزایا برلین، دوست و معلم سابق خود ^۳نوشت و در آن به کتابی با عنوان جمهوری وحشت که به‌تازگی منتشر

1. Arthur M. Schlesinger Jr., *Journals: 1952–2000* (London: The Penguin Press, 2007), 7 April 1977, p. 430.

2. Norman Oliver Brown

3. Norman Oliver Brown to Isaiah Berlin, 6 April 1991. Norman O. Brown Papers. MS

35. Special Collections and Archives, University Library, University of California, Santa Cruz.

کرده بود اشاره کرد.^۱ کتاب مطالعه‌ای پیشگامانه دربارهٔ صدام حسین و حزب بعث بود و میان جهان «کافکایی» عراق در دوران صدام و جلوداران او در قرن بیستم مقایسه‌ای انجام می‌داد. او در نگارش این کتاب از برخی آثار کلاسیک ضدتوتالیتار (تمامیت‌خواه) استفاده کرده بود، از جمله از کتاب چهار مقاله دربارهٔ آزادی نوشتهٔ برلین و ریشه‌های توتالیتاریسم نوشتهٔ هانا آرنت.^۲ برلین از اینکه جفت آرنت شده بود راضی نبود. خطاب به براون نوشت: «فکر می‌کنم (جمهوری وحشت) دربارهٔ هراس در عراق و غیره است، اما آنچه عمیقاً مرا آزرده می‌کند پیوند نام من با خانم هانا آرنت است. شما بگو که تفاوت‌های اساسی میان من و خانم آرنت می‌بینی، و گر نه چگونه می‌توانیم به شناخت یکدیگر ادامه دهیم؟»^۳ بیزاری شدید برلین از آرنت که در نامهٔ سال ۱۹۹۱ به براون ابراز کرد سابقه‌ای دورودراز دارد و به نیم قرن قبل بازمی‌گشت، زمانی که این دو متفکر در دوران جنگ جهانی دوم در نیویورک به یکدیگر معرفی شدند. اطلاعات زیادی پیرامون آن جلسه در دست نیست، اما نظرات آن‌ها قطعاً متفاوت بود و فضای حسی بدی میان آن‌ها برقرار بود. حدود یک دهه بعد، احتمالاً سال ۱۹۴۹، وقتی این دو متفکر در دانشگاه هاروارد با هم صحبت کردند رابطه‌شان حتی بهبود نیافت. آرتور شلزینگر جونیور، دانشمند علوم سیاسی که این جلسه را ترتیب داده بود، بعدها از این مناسبت به عنوان «فاجعه از ابتدا» یاد کرد.^۴ تا پانزده سال بعد گذر آن دو به هم نیفتاد، زیرا برلین در بریتانیا حرفهٔ دانشگاهی خود را به‌شکلی خیره‌کننده پیش می‌برد و آرنت نیز در ایالات متحد خود را به‌عنوان یک روشنفکر بانفوذ حوزهٔ عمومی تثبیت کرده بود. با وجود این، از نظر اجتماعی، فرهنگی یا فکری از هم دور نبودند. آن دو نه تنها علایق پژوهشی مختلفی داشتند، بلکه دوستان،

1. Samir al-Khalil [pseudonym for Kanan Makiya], *Republic of Fear: Saddam's Iraq* (London: Hutchinson Radius, 1989).

2. *Ibid.*, p. 112, p. 115, p. 254.

3. Isaiah Berlin to Norman Oliver Brown, 6 May 1991, T.

4. Schlesinger, *Journals*, p. 430.

روابط دانشگاهی و همکاران مشترک زیادی نیز داشتند. برخی از آن‌ها به‌ویژه نظریه‌پرداز سیاسی بریتانیایی، برنارد کریک^۱، تلاش کرد برلین را در خصوص اهمیت آثار آرنت مجاب کند. فیلسوف آکسفورد هرگز مجاب نشد. برعکس، برلین با تشکیک عمیق خود نسبت به سنت پدیدارشناسی در فلسفه، آثار نظری آرنت همچون وضع بشر را به‌عنوان مجموعه‌ای از «برداشت آزاد متافیزیکی» رد کرد.^۲ آن تحقیر متعاقباً با انتشار کتاب آیشمن در اورشلیم: گزارشی دربارهٔ ابتدال شر در سال ۱۹۶۳ به نفرت مادام‌العمر تبدیل شد. برلین با همه وجود از اتهامات گسترده مبنی بر اینکه آرنت متکبرانه و با نگاه از بالا قربانیان هولوکاست را شایستهٔ ملامت دانسته و روایتی عمیقاً ناقص از شر ارائه داده است حمایت کرد. جالب اینجاست که برلین به‌رغم بی‌زاری از آرنت و آثارش، به خواندنِ دقیق‌تر بگویم به مرور کردنِ کتاب‌ها و مقالات او، از جمله آثار نادیده‌گرفته‌شده‌ای همچون راحل فارنهاگن: زندگی یک زن یهودی^۳ و همچنین آثار مهم او مانند وضع بشر و دربارهٔ انقلاب ادامه داد.^۴ با این حال، هرچه بیشتر آثار آرنت را می‌خواند بیشتر متقاعد می‌شد که ارزیابی‌اش از آثار آرنت درست بوده است. برلین فقید نظر سنجیدهٔ خود را چنین خلاصه کرد: آرنت «هیچ استدلالی ارائه نمی‌دهد، هیچ مدرکی دال بر تفکر جدی فلسفی یا تاریخی ارائه نمی‌دهد.»^۵ افزون بر این، خصومت برلین با آرنت هرگز نه با مرگ آرنت و نه با گذشت زمان از بین نرفت. در نامهٔ ۱۹۹۱ که ذکرش رفت، برلین آرنت را به‌مثابه «سوهان روح من، چه در زمان حیات و چه پس از مرگش» توصیف می‌کند. برلین ادامه می‌دهد: «من واقعاً به او به‌عنوان موجودی که بیش از هر چیز از آن تنفر دارم نگاه می‌کنم.»^۶

1. Bernard Crick

۲. برلین بارها برای نقد آثار آرنت از این عبارت استفاده کرده است. برای مطالعهٔ مباحث بیشتر بنگرید به فصل ۲.

3. *Rahel Varnhagen: The Life of a Jewess*

4. Isaiah Berlin to Robert Silvers, 1 June 1966, MSB 279/14-15.

5. Jahanbegloo, *CIB*, p. 82.

6. Berlin to Brown, 6 May 1991.

آرنت از خصومت برلین با خودش آگاه بود، به لطف مری مک کارتی نویسنده نتیجه‌ای این مناقشات دوستی‌اش با برلین «از بین رفت».^۱ در همین حال، خود آرنت هرگز این خصومت را تماماً به یک تقابل تبدیل نکرد. اول اینکه مغرورتر از آن بود که چنین بکند، او شخصیتی بحث‌برانگیز بود و به‌ویژه پس از انتشار کتاب آیشنمن در اورشلیم انتقاداتی تلخ به سمت او روانه شد. احتمالاً نمی‌توانست پاسخ تک‌تک آن‌ها را بدهد و از نگاه او برلین در میان آن‌ها فردی مهم و شایسته نبود. از موقعیت و ارتباطات برلین در بریتانیا، اسرائیل و ایالات متحد آگاه بود، اما به‌سختی او را یک متفکر اصیل قلمداد می‌کرد.^۲ تا حدی به این دلیل بود که آرنت برتری فلسفه آلمان را بر فلسفه انگلستان و امریکا بدیهی می‌شمرد. اگرچه به‌هائز احترام می‌گذاشت، اما عموماً بریتانیا را چیزی شبیه به یک بیابان فلسفی می‌دید و برای جنبش تحلیلی که توسط راسل، مور و دیگران باب شد شایستگی چندانی قائل نبود. از این نظر تعصب قهرمانان ما متقارن بود: همان‌طور که برلین قادر به درک پدیدارشناسی آلمانی نبود، آرنت نیز قادر به فهم تجربه‌گرایی بریتانیایی نبود. با همه این‌ها، آرنت برلین را دانشمندی فرهیخته می‌دانست، به‌ویژه وقتی صحبت از تاریخ روشنفکری روسیه می‌شد. او گاهی اوقات از نوشته‌های برلین در کلاس‌های درس خود استفاده می‌کرد^۳ و در کتابخانه شخصی که از او به‌جا

1. Isaiah Berlin to Geza Vermes, 13 May 1982, T.

۲. نک.

Mc Carthy's letters to Arendt on 2 December 1952 (BF, p. 12), on 10 April 1953 (BF, p. 14) and on 14 June 1969 (BF, p. 239); and Arendt's letters to McCarthy on 4 February 1970 (BF, p. 254).

همچنین نک.

Hannah Arendt to Karl and Gertrud Jaspers, 24 November 1963, C, p. 535.

۳. برای مثال، آرنت از کتاب کلارل مارکس: زندگی و محیط اثر برلین در کلاس‌های بهار ۱۹۵۵ در درس «تاریخ نظریه سیاسی» در دانشگاه کالیفرنیا برکلی استفاده کرد. همچنین در سمینارهای پاییز ۱۹۶۵ درباره «آثار منتخب فیلسوفان سیاسی» در دانشکده جدید پژوهش ←

مانده یک نسخه از اولین کتاب برلین، کارل مارکس: زندگی و محیط و نیز چهار مقاله و آثار دیگرش به چشم می‌خورد.^۱ هرچند شواهد نشان می‌دهند تنها نوشته‌های از برلین که آرنت با دقت خوانده است مقدمه برلین بر کتاب ریشه‌های انقلاب نوشته فرانکو ونتوری^۲ است. در واقع تنها دفعه‌ای که نام برلین در پانویس‌های آثار آرنت ظاهر می‌شود به‌عنوان نویسنده همین مقدمه است.^۳ از نظر او، برلین یک مورخ روشنفکر و قابل احترام و عضو نسبتاً مهمی از چیزی بود که او «تشکیلات یهود» می‌نامید. خصومت برلین با بی‌تفاوتی آرنت مواجه و با سوءظن‌های گاه‌وبیگاه او همراه شد.

همه چیز ممکن بود متفاوت رقم بخورد. آن‌ها معاصر بودند. آرنت متولد ۱۹۰۶ و برلین متولد ۱۹۰۹. هر دو به گروه روشنفکران یهودی مهاجر قرن بیستم

→ اجتماعی. او همچنین از مقاله «آیا نظریه سیاسی همچنان وجود دارد؟» اثر برلین در کلاس‌های سال ۱۹۶۳ در موضوع «مقدمه‌ای بر سیاست» در دانشگاه شیکاگو استفاده کرد. بنگرید به این اسناد:

items 023969 (Berkeley 1955), 024345 (New School 1965), 023863 (Chicago 1963) and 023573 (New School 1969), in 'Subject File, 1949–1975, n.d., HAP.

۱. این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

Isaiah Berlin, KM2; 'Montesquieu', *Proceedings of the British Academy* 41 (1955), pp. 267–96, reprinted in AC2, pp. 164–203; 'Introduction' to Franco Venturi, *Roots of Revolution: A History of the Populist and Socialist Movements in Nineteenth Century Russia*, trans. Francis Haskell (New York: Grosset & Dunlap, 1966), reprinted as 'Russian Populism' in RT2, pp. 240–72; a highly abridged version of 'Two Concepts of Liberty', in Anthony Quinton (ed.), *Political Philosophy* (London: Oxford University Press, 1967), pp. 141–52; and 'Introduction' to Alexander Herzen, *My Past and Thoughts: The Memoirs of Alexander Herzen*, trans. Constance Garnett, ed. and abridged by Dwight Macdonald (New York: Knopf, 1973), reprinted as 'Herzen and his Memoirs' in AC2, pp 236–66.

2. Franco Venturi

3. Hannah Arendt, 'On Violence', CR, pp. 105–98, at p. 129, note 41. This reiterates a February 1966 entry of *Denktagebuch* (Arendt, DZ, XXV: 4, p. 654).